

## فرهنگ‌یگان

اکنون ۳۴ سال از زمانی که گوینده خبر با صدایی بغض‌آلود اعلام کرد: «روح بلند پیشوای مسلمانان و رهبر آزادگان جهان، حضرت امام خمینی به ملکوت اعلی پیوست»، می‌گذرد. این جمله کافی بود تا سیل میلیونی جمعیت برای رقم زدن یکی از پرشکوه‌ترین برگ‌های تاریخ از سرتاسر کشور برای مراسم تشییع پیکر بنیانگذار انقلاب خود را به تهران برسانند. این تصاویر اگرچه هر بیننده تلوزیونی را در هر نقطه جهان در بهت فرو می‌برد و این سوال را برای او ایجاد می‌کرد که مگر می‌شود فردی تا این حد مقبولیت و مشروعیت در بین مردم پیدا کند، اما برای فردی که نسبت به شخصیت امام شناخت پیدا کرده و رفتار مبتنی بر ایمان او را دیده است، چندان عجیب به نظر نمی‌رسد. فردی که با تکیه به نیروی ایمان ۸ سال پنجه در پنجه یک جهان ظلم و استکبار می‌اندازد، باید هم چنین مقبولیت و محبوبیتی در قلوب مستضعفان پیدا کند. شایسته است که در سی‌وپه‌ه‌ارمین سالروز رحلت بنیان‌گذار انقلاب اسلامی، مروری داشته باشیم بر مرام و مسلک سیاسی فردی که تمام قواعد نظم استکباری جهان را به چالش کشید و طرحی نو در سپهر حکمرانی جهانی درآنداخت.

### تصمیم‌گیری عاقلانه در بحران‌ها

روزها و سال‌های ابتدایی پیروزی انقلاب پر از وقایع و اتفاقاتی است که نشان از شور مردم انقلابی دارد. در این میان نوع برخورد امام خمینی به‌عنوان رهبر این انقلاب، نسبت به برخی اتفاقات و وقایع نشان می‌دهد امام با وجود شرایط شور و شوق انقلاب، موضع درستی در زمان وقوع اتفاق‌ها و بحران‌ها گرفتند. در روزهایی که دانشجویان سفارت آمریکا را اشغال کردند و آمریکایی‌های داخل سفارت را گروگان گرفتند، امام نسبت به این اقدام دانشجویان واکنش مثبت نشان دادند و در سخنرانی بعد از اشغال سفارت گفتند: «آن مرکزی که جوان‌های ما راقتند گرفتند آن‌طور که اطلاع دادند، مرکز جاسوسی و مرکز توطئه بود. آمریکا توقع دارد که شاه را به آنجا برده و مشغول توطئه شود، پایگاهی هم اینجا برای توطئه درست کند و جوان‌های ما بنشینند و تماشا کنند. امام دو هفته بعد از این سخنرانی و حمایت از اقدام دانشجویان در نامه‌ای به موسوی خوئینی‌ها و دانشجویان خط امام می‌گویند که افرادی که جاسوسی آنها ثابت نشده به وزارت خارجه تحویل داده شوند تا فوراً از ایران اخراج بشوند. در میان گروگان‌ها ۵ زن و ۸ سیاه‌پوست بود که جاسوسی آنها ثابت نشد و به آمریکا بازگردانده شدند. ۵ نفر از آنان منشی، ۴ نفر محافظ تفنگداران دریایی، ۲ نفر افسر اداری و ۲ نفر نیز مدیر اداری نیروی هوایی آمریکا بودند. دانشجویان در نظر داشتند که گروگان‌های آمریکایی را با محدرضا پهلوی مبادله کنند و بعد از اینکه محمدرضا پهلوی فوت می‌کند، مدتی بعد تصمیم گرفته شد ایران برای آزادی گروگان‌های آمریکایی با یک واسطه وارد مذاکره با آمریکا شود. امام چهار شرط برای مذاکره تعیین و تصمیم‌گیری در این رابطه را به مجلس واگذار کردند. بهزاد نبوی که در آن زمان مسئول مذاکره با الجزایری‌ها برای آزادی گروگان‌ها بود، می‌گوید: امام برای حل مشکل گروگان‌ها چهار شرط طرح کرد. مجلس کمیسویی تشکیل داد و شروط را به‌صورت یک مصوبه درآورد. نبوی البته می‌گوید امام پیگیر دنبال کردن مذاکرات بودند و از ما در این رابطه توضیح می‌خواستند. امام با وجود نگاه منفی و بی‌اعتمادی که نسبت به آمریکایی‌ها وجود داشت اما در رابطه با مذاکره برای آزادی گروگان‌های آمریکایی مخالفت نکردند و دنبال حل موضوع گروگان‌ها بودند. در سال‌های بعد از وقوع جنگ تصمیم امام نسبت به پایان جنگ و پذیرش صلح در آن برهه هم حائز توجه است. امام اگرچه در سخنرانی‌ها و بیانات معتقد بودند که جنگ باید ادامه پیدا کند اما قطعنامه ۵۹۸ را به دلیل «وقوع حوادث حواث و دلایل مختلف» و «پیشنهاد نظرات کارشناسان سیاسی و نظامی» می‌پذیرند. امام در نامه‌ای که به مسئولان ارشد نظامی برای پذیرش صلح نوشتند، تأکید می‌کنند: «…نظر به اینکه مسئولان دلسوز نظامی و سیاسی نظام جمهوری اسلامی از این پس جنگ را به هیچ وجه به صلاح کشور نمی‌دانند و با قاطعیت می‌گویند که یک‌دهم سلاح‌هایی را که استکبار شرق و غرب در اختیار صدام گذارده‌اند، به هیچ وجه و با هیچ قیمتی نمی‌شود در جهان تهیه کرد و با توجه به نامه تکان‌دهنده فرمانده سپاه پاسداران که یکی از ده‌ها گزارش نظامی سیاسی است که بعد از شکست‌های اخیر به اینجانب رسیده و به اعتراف جانشین فرمانده کل نیروهای مسلح، فرمانده سپاه یکی از معدود فرماندهانی است که در صورت تهیه مایحتاج جنگ معتقد به ادامه جنگ است و با توجه به استفاده گسترده دشمن از سلاح‌های شیمیایی و نبود وسایل خنثی‌کننده آن، اینجانب با آتش‌بس موافقت می‌نمایم. … این تصمیم امام در شرایطی گرفته می‌شود که فشارها برای پذیرش صلح توسط ایران افزایش پیدا کرده بود و عراق در درگیری‌ها استفاده از سلاح شیمیایی را تشدید کرده بود.

### هشدار نسبت به وجود بی‌عدالتی در جامعه

وقتی صحبت از عدالت به میان می‌آید، نزدیک‌ترین چیزی که به ذهن می‌رسد شکاف و فاصله طبقاتی و بی‌توجهی به طبقات ضعیف جامعه است، موضوعی که البته ضرورت توجه

به آن بیش از گذشته احساس می‌شود. صحبت‌های امام در برهه‌های مختلف درباره اهمیت توجه به طبقات مستضعف جامعه از جمله پرترکارترین صحبت‌های امام، در حوزه برقراری عدالت در جامعه است. از آنجایی که بی‌عدالتی و اشرافی‌گری در زمان شاه عامل مهمی در بروز نارضایتی مردم و اعتراضات آنها شده بود امام مدام در سخنرانی‌ها نسبت به بروز بی‌عدالتی در جامعه هشدار می‌دادند: «خدا نیاورد آن روزی را که سیاست ما و سیاست مسئولان کشور ما پشت کردن به دفاع از محرومان و رو آوردن به حمایت از سرمایه‌دارها گردد و اغنیا و ثروتمندان از اعتبار و عنایت بیشتری برخوردار شوند… گمان نمی‌کنم، عبادتی بالاتر از خدمت به محرومان وجود داشته باشد… یک موی سر این کوخ‌نشینان و شهیدداگان به همه کاخ و کاخ‌نشینان جهان شرف و برتری دارد.»

فاصله میان مردم با مسئولانی که امور را در اختیار دارند، باعث می‌شود که درک روشنی از مشکلات مردم وجود نداشته باشد، امام خمینی در این رابطه نیز تأکید می‌کردند: «وقتی کسی احساس نکند که فقر معنایش چی است، گرسنگی معنایش چی است، این نمی‌تواند به فکر گشته‌ها و به فکر مستمندان باشد. لکن آنهایی که در بین همین جامعه بزرگ شده‌اند و احساس کردند فقر چی است، دیدند، چشیدند… ملموس‌شان بوده است که فقر یعنی چه؟ اینها می‌توانند به حال فقرا برسند.»

آسیبی که اکثر جوامع دچار آن می‌شوند این است که به‌راحتی شعار عدالت‌طلبی و عدالت‌خواهی می‌دهند اما مشخصاً در عرصه عمل نشانه مشخصی از تحقق آن، دیده نمی‌شود، امام خمینی هم نسبت به این موضوع اشاره داشتند: «ما که امیدواریم، که یک جلوه ولو بسیار ناقصی از ولایت، ولایت علی در کشور ما شده باشد، ما باید توجه بکنیم، کافی ندانیم، اینکه ما تظاهر می‌کنیم و شعار می‌دهیم و چه، اینها کافی نیست. دولت واقعا باید با تمام قدرت، آن‌طوری که علی علیه‌السلام برای محرومان دل می‌سوزاند… دل بسوزاند.»

جدای از بی‌عدالتی در زمینه اقتصاد در جامعه، بی‌عدالتی در حوزه محاکم قضایی و مجازات افراد یکی از مصادیقی است که نشان می‌دهد در یک جامعه عدالت رعایت می‌شود یا خیر. مشخصاً ایده و نگاه امام این بوده که در اجرای عدالت نباید تفاوتی میان افراد وجود داشته باشد.

یک نمونه جالب توجه به موضوع دست‌نخور مستقیم امام به قصاص یک پاسدار برمی‌گردد. امام در این رابطه گفتند:

«همین دیروز به من اطلاع دادند که یک پاسدار در قم یک کسی را همین طوری کشته است! کشته‌می‌شود، قصاص می‌شود… من امروز گفتم باید کشته بشود… هر که قدرت دستش است هر کاری می‌خواهد نباید بکند. موازین دارد، میزان دارد مطلب.»

### صلابت و مقاومت

شاید بشود بارزترین ویژگی حضرت امام به لحاظ سیاسی را مقاومت و صلابت در برابر استکبار و استبداد توصیف کرد. ایشان مجرای دعوت را در آگاه نمودن مسلمین از تقابل اسلام‌ناب با اسلام آمریکایی با اسلام واپسگرا و با اسلام ساختگی منفعت‌طلبان قرار داده است و تنها رمز استیلا و پیروزی مسلمانان در تمامی زمینه‌ها را، مقاومت معرفی کرده و بیان می‌دارند: «نقشه صهیونیسم، سیطره بر دنیای اسلام و استعمار بیشتر منابع سرشار کشورهای اسلامی می‌باشد و فقط با فداکاری و پایداری و اتحاد دولت‌های اسلامی می‌توان از شر این کابوس سیاه استعمار رهایی یافت.» زمانی که روند حاکمیت روزافزون شرایط استعماری در کشور با تصویب لایحه کاپیتولاسیون در مجلس شورای ملی و سنا در دوره پهلوی دوم و در سال ۱۳۴۳ به اوج خود می‌رسد امام خمینی(ره) شدیداً با آن

# سیاست

مکتب امام چطور به کار ایران ۱۴۰۲ می‌آید؟

# امامِ عقلانیت، امامِ نه‌به‌انفعال



هم از آنها می‌خواهیم بگیریم، قوانین مان را هم می‌خواهیم از آنها بگیریم… درصورتی که در تمدن مقدم نیستند، بلکه بسیار عقب‌افتاده‌اند. آنی که جلو هستند این است که آلاتی درست کردند آدم کش، دنیا را به آتش می‌زنند… اگر تمدن این است همه عالم باید از تمدن بیزار باشد… آنکه ضامن این است که یک کشوری درست‌تکند که تمدن باشد، آزادی خواه به معنای حقیقی‌اش باشد، استقلال داشته باشد. به معنای حقیقی‌اش ـ آن مکتب انسانیت است. امام خمینی در برخورد مثبت با تمدن غرب، تأکید داشتند که اسلام با تمدن و پیشرفت مخالفتی ندارد، بلکه حتی اسلام، خود در بالاترین درجه تمدن قرار دارد. ایشان با دستاوردهای مادی تمدن غرب مخالفتی نداشتند، ولی توصیه‌هایی برای رهایی از سلطه غرب داشتند. درواقع، اخذ دستاوردهای صنعتی غرب را منوط به پرهیز از آسیب‌های ذیل می‌دانستند: الف، سلطه سیاسی؛ ب. از خودبیگانگی؛ ج. فساد و انحرافات اجتماعی. از دیدگاه امام خمینی اسلام پیشرفته‌ترین حکومت را دارد و به‌هیچ‌وجه، حکومت اسلام با تمدن جدید و مظاهر آن مخالفتی ندارد و روحانیان نیز با مظاهر تمدن اسلامی مخالفتی نداشتند؛ اما اسلام با فساد و توحش و برداشت نادرست از تمدن مخالف است. ایشان در این‌باره می‌فرمایند: «همه مظاهر تمدن را ما قبول داریم. آنی که ما قبول نداریم این انحرافات است که هست.» ایشان درمورد مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن بیان می‌دارند: «مخالفت روحانیون با بعضی از مظاهر تمدن در گذشته، صرفاً به جهت ترس از نفوذ اجانب بوده است. احساس خطر از گسترش فرهنگ اجنبی، خصوصاً فرهنگ مبذل غرب، موجب شده بود که آنان با اختراعات و پدیده‌ها برخورد احتیاط‌آمیز کنند.»

### مردم‌سالاری و جمهوریت

امام در سه مقطع مهم تاریخی سنگ بنای حاکمیت آرای ملت را گذاشتند؛ نخست، هنگام ورود به بهشت‌زها فرمودند: «من به پشتیبانی این ملت، دولت تعیین می‌کنم!» دوم، هنگام نصب مهندس بازرگان به نخست‌وزیری متذکر شدند: «به حسب حق شرعی و حق قانونی ناشی از آرای اکثریت قاطع قریب به اتفاق ملت ایران که طی اجتماعات عظیم و تظاهرات وسیع و متعدد در سراسر ایران نسبت به رهبری جنبش ابراز شده… جناب عالی… را مأمور تشکیل دولت موقت می‌نمایم.» سوم، در مورد نقش مردم در انتخاب رهبری اظهار داشتند: «اگر مردم به خیرگان رأی دادند تا مجتهد عادل‌ی را برای رهبری حکومت‌شان تعیین کنند، وقتی آنها هم فردی را تعیین کردند تا رهبری را به عهده بگیرد، قهری او مورد قبول مردم است. در این صورت او ولی‌منتخب مردم می‌شود و حکمش نافذ است.»

علاوه‌بر سخنانی که از امام ذکر آن رفت، شرکت و حضور فعال و مداوم مردم در انتخابات است. تأکید ایشان بر این بود که مردم در انتخابات ریاست‌جمهوری، مجلس شورای اسلامی و خیرگان رهبری شرکت کنند. همچنین ایشان از مردم می‌خواستند که ناظر بر اعمال حاکمان باشند و نظارت مردم همراه با اظهارنظر باشد: «باید همه زن‌ها و همه مردها در مسائل اجتماعی، در مسائل سیاسی وارد باشند و ناظر باشند. هم به مجلس ناظر باشند، هم به کارهای دولت ناظر باشند، اظهارنظر بکنند. ملت باید الآن همه‌شان ناظر امور باشند، اظهارنظر بکنند در مسائل سیاسی، در مسائل اجتماعی، در مسائلی که عمل می‌کند دولت، استفاده بکنند، اگر یک کار خلاف دیدند.» مهم‌ترین نکته‌ای که در تمام گفته‌های امام خمینی(ره) مورد مذاقه است، این است که ایشان همواره در نطق‌های خود بر انتخابی بودن حکومت تأکید داشته‌اند. از ۲۲ شهریور ماه ۱۳۵۷ که «جمهوری اسلامی» را به جای «حکومت اسلامی» گذاشتند فرمودند: «نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد،

## ۲

## ۲

## ۲

قالب و صورت نظام را به شکل انتخابی و براساس آرای مردم مطرح کردند، به‌گونه‌ای که نهاد رهبری، ریاست‌جمهوری و مجلس شورای اسلامی همه از طریق آرای مردم شکل می‌گیرد.

در جمهوری اسلامی هیچ نهادی بدون رأی و رضایت مردم- یا به‌طور مستقیم یا به‌طور غیرمستقیم- شکل نمی‌گیرد؛ و مراجعه به آرای عمومی، به‌گونه‌ای که در دنیا معمول است، مشروعیت نظام را تضمین می‌کند.

### مصاف با ارتجاع و تحجر

احتمالاً عبارت «اسلام آمریکایی» حداقل یک‌بار به گوش‌مان خورده است؛ عبارتی که توسط امام(ره) برای توصیف نوع خاصی از اسلام و مسلمانی ابداع شد، اسلامی که گرچه نام آمریکارا یکدم می‌کشد اما به‌تعبیر سیدمرتضی آوینی «از خود آمریکا دیرپاتر است.» اما هرچقدر این تعبیر برای ما آشنا باشد مضامین و مصادیقش را به آن اندازه نمی‌شناسیم. شاید نسبت عباراتی از قبیل «اسلام اشرافیت»، «اسلام ابوسفیان»، «اسلام فریب و سازش و اسارت» و «اسلام حاکمیت سرمایه و سرمایه‌دار بر مظلومین و پابرهنگه‌ها» با اسلام آمریکایی برای ما واضح باشد؛ اما امام(ره) در پیامی که به مناسبت قبول قطعنامه منتشر کردند و در میان همین سطور ی که عبارات مذکور را از آنجا نقل کردیم، تعبیر دیگری نیز برای اسلام آمریکایی به کار برده‌اند؛ تعبیری که به‌اندازه قبلی‌ها شناخته‌شده نیستند. «اسلام ملاح‌های کثیف درباری» و «اسلام مقدس نماهای بی‌شعور حوزه‌های علمی و دانشگاهی» از همین دست عبارات هستند. همین تعبیر برخلاف تصور اولیه‌ای که شاید خیلی از ما اسلام آمریکایی داشته باشیم، بخشی از روحانیون را نیز دقیقاً در صف مشترک با ابوسفیان‌ها و اشراف و مرفهان بی‌درد قرار می‌دهد. اما چه وجه اشتراکی می‌تواند این پیوند را رقم بزند؟ ابوسفیان‌ها و روحانیون چه نقطه مشترکی می‌توانند داشته‌باشند که امام(ره) همه عبارات بالا را «در یک کلمه اسلام آمریکایی» می‌خواند؟ در یکی دیگر از پیام‌های مهم امام خمینی(ره) که در اسفند ۶۷ خطاب به روحانیون نوشتند و به «مشور روحانیت» معروف شد، پاسخ این سوالات روشن‌تر می‌شوند. در بخش‌هایی ابتدایی این نامه، امام(ره) با دفاع از نهاد روحانیت و اشاره به نقش این نهاد در حفظ دین در قرون اخیر، اضافه می‌کند «البته بدان معنا نیست که ما از همه روحانیون دفاع کنیم؛ چرا که روحانیون وابسته و مقدس‌نما و تحجرگرا هم کم نبودند و نیستند. در حوزه‌های علمیه هستند افرادی که علیه انقلاب و اسلام ناب محمدی فعالیت دارند. امروز عده‌ای با ژاست مقدس مآبی چنان تیشه به ریشه دین و انقلاب و نظام می‌زنند که گویی وظیفه‌ای غیر از این ندارند. خطر تحجرگرایان و مقدس‌نمایان احق در حوزه‌های علمیه کم نیست. طلاب عزیز لحظه‌ای از فکر این مراهی خوش خط‌وخال کوتاهی نکنند، اینها مروج اسلام آمریکایی‌اند و دشمن سوت‌الله.» آنچه باعث می‌شود امام(ره) برخی روحانیون و طلاب را مروج اسلام آمریکایی و دشمن رسول‌الله بدانند در یک کلام «تحجرگرایی» است. امام(ره) درطول عمر خود تلاش زیادی برای مبارزه مقدس نماها کردند و به‌تعبیر خودش «خون دلی که پدر پیرتان از این دسته متحجر خورده است هرگز از فشارها و سختی‌های دیگران نخورده است.»

مصادیق این مبارزه‌ها و «خون‌دل خوردن‌های امام» کم نیست. اما یکی از جالب‌ترین موارد حواشی بعد از پاسخ امام به استفتای درباره بازی شطرنج بود. امام در پاسخ این استفتا بازی شطرنج را درصورتی که به‌عنوان یک بازی فکری انجام گیرد و برد و باختی در کار نباشد، حلال می‌شمارد. این‌ نظر امام با واکنش گسترده‌ای از طرف مقدس‌نمایان مواجه می‌شود. یکی از قضای دفتر امام در قم به ایشان نامه‌ای می‌نویسد و با تشریح دلایل خودش در حرام بودن بازی شطرنج در هر حالتی به امام می‌گوید: «اگر ساحت قدس حضرت عالی از این گونه مسائل به دور باشد به نظر من بهتر است و تحت تأثیر مقدس نماها و آخوندهای بی‌سواد واقع نشوید؛ چراکه اگر نباست با اعلام و نشر حکم خدا؛ به مقام و موقعیت‌مان نزد مقدس نماهای احمق و آخوندهای بی‌سواد صدمه‌ای بخورد، بگذار هرچه بیشتر بخورد.» این نمونه کوچکی از برخورد و نظر امام دربرابر مقدس‌نمایی‌های متحجر است؛ تحجرگرایی که با توسل به شرع و ادعای دین‌داری، درواقع تفاوتی با سایر هم‌کیشان خود ندارند که پیرو اسلام آمریکایی هستند.

### منابع

- ↑ بررسی ایده مقاومت در اندیشه امام خمینی(ره) حمیدرضا حقیقت، مرتضی شیرودی، بهرنگ قربانی
- ↑ تمدن اسلامی از دیدگاه امام خمینی(قدس سره)، محمدرضا ضمیری
- ↑ مردمسالاری دینی، ۱، کاظم قاضی زاده